

مسجد و دولت رابطه‌ای استراتژیک دارند.

رابطه مسجد و دولت در چه الگویی قرار می‌گیرد؟ دولت اسلامی چه وظایفی در قبال مساجد دارد؟ مسجد چه وظایفی در قبال دولت دارد؟ در شرایط فعلی باید چه کار کرد که مسجد و دولت بتوانند در کنار هم به پیشرفت جامعه کمک کنند؟^۱

رابطه مسجد و دولت رابطه‌ای استراتژیک و مهم است. رابطه‌ای که باید با حساسیت درباره آن صحبت کرد. این رابطه در علوم مختلفی نظیر فقه‌سیاسی، جامعه‌شناسی فرهنگ و جامعه‌شناسی سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. البته در حال حاضر فقدان مطالعه منسجم و علمی در این زمینه از آسیب‌های مهم حوزه مطالعات مسجد به شمار می‌آید. یعنی در پژوهش‌های این حوزه، هنوز رابطه‌ای منطقی بین دولت و مسجد طراحی نشده است و به لحاظ تئوریک اختلافات زیادی در این زمینه وجود دارد.

این رابطه را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد: نگاه مسجد به دولت و نگاه دولت به مسجد.

۱. نگاه مسجد به دولت را باید در مبحث کارکرد سیاسی مسجد جستجو کرد. مسجد از زمان شکل‌گیری آن تا کنون دارای کارکردهای مختلف سیاسی بوده است. «پیامبر گرامی اسلام (ص) پایه‌های حکومت نوپای مدینه را در مسجد مدینه محکم کرد و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را در مسجد انجام داد.»^۲

یکی از کارکردهای مهم سیاسی مسجد که متأسفانه نادیده گرفته می‌شود، «تعادل بخشی بین مردم و حاکمیت اسلامی» است. از آن جا که مسجد خانه خداست و تعلق به دولت‌ها و قدرت‌ها ندارد، این ظرفیت را دارد که بدون انگیزه‌های حزبی و جناحی، مرکزی برای تعادل بخشی بین حاکمیت و مردم باشد. به این گونه که از یک طرف با «کنترل و نظارت بر امر حکومت‌داری اسلامی» حرف دل مردم را به متولیان امور حکومت برساند و از طرف دیگر به عنوان حامی و پشتیبان حکومت از ارزش‌های نظام اسلامی دفاع کند. این نظارت توسط امام جماعتی که روحانی نخبه، عادل و آزاده است، انجام می‌گیرد. این کارکرد اگرچه تا کنون خیلی مطرح نشده است، اما آثار و

۱. برای رسیدن به پاسخ سوالات ذکر شده نگاهی به نتایج پژوهشی که توسط نگارنده با عنوان «بررسی آسیب‌شناختی وضعیت کنونی مساجد ایران از منظر نخبگان حوزوی و دانشگاهی» که از سال گذشته تا کنون ادامه دارد، داشته‌ایم. در این بررسی با مراجعه به چند تن از اساتید سطوح عالی حوزه و اساتید حوزه و دانشگاه وضعیت کنونی مساجد ایران مورد مطالعه آسیب‌شناسانه قرار گرفته است. در این بررسی به پاسخ‌هایی اجمالی در این زمینه نیز رسیده‌ایم. دیدگاه این بزرگواران ضبط شده و در نزد نگارنده محفوظ است. مطالب این نوشتار نیز بازنویسی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در مورد این موضوع است.

۲. الویری، محسن ۱۳۸۶، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، نامه صادق شماره ۳۱: ۹۵

نتایج قابل توجه آن، می‌طلبد مطالعات علمی در مورد آن، صورت بگیرد. «احیا کارکرد سیاسی مسجد به صورت مستقل و بدون وابستگی حزبی و جناحی، بدان معناست که علاوه بر این که اندیشه‌های بنیادین سیاسی اسلام در مساجد نشر پیدا می‌کند؛ مساجد، محلی برای نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر به حکومت و دولت باشند و نقشی تعادل بخش بین مردم و حکومت ایجاد کند. هر مسجد دارای امام جماعتی نخبه، عادل و آزاده باشد و بتواند با ارزیابی صحیح از مسائل کشور ارتباط مردم با حکومت را تقویت کند و در صورت نیاز حرف دل مردم را به حکومت برساند. این امر به پویایی مسجد و نظام جمهوری اسلامی کمک شایانی می‌کند؛ اعتماد مردم به حکومت افزایش پیدا می‌کند و مسجد محلی امن و خانه‌ای حقیقی برای مردم می‌شود. امروزه صاحب‌نظرانی نظیر «هابرماس» فیلسوف آلمانی، به دنبال تحقق این آرمان هستند و نظریه «حوزه عمومی» را مطرح می‌کنند. این ظرفیت نهفته در مساجد در هیچ مکان، معبد و یا دینی وجود ندارد و تنها مسجد است که می‌تواند چنین کارکردی داشته باشد.»^۱

۲. در مورد نگاه دولت به مسجد یک نقطه اشتراک وجود دارد. «به اتفاق آراء صاحب‌نظران، دولت نباید هیچ‌گونه دخالتی در امور اداره مسجد داشته باشد. دخالت دولت در اداره مسجد آثار و نتایج مخربی دارد، یکی از آنها عدم استقبال عموم مردم به مسجد است. همین که مسجدی برچسب دولتی بودن بخورد ناخودآگاه تعداد جمعیت آن مسجد نسبت به مساجد مردمی کمتر می‌شود، همچنین این امر سبب سیاست‌زدگی مساجد نیز می‌شود؛ رویکردهای دولت‌ها غالباً باهم متفاوت است و این امر سبب به هم خوردن رویکرد سیاسی مساجد در هر دوره از دولت‌ها می‌شود. مساجد می‌بایست جوهره مردمی خود را حفظ کنند و مردم در اداره مسجد سهیم باشند.»^۲

اما در مورد بودجه دهی دولت به مسجد اختلاف نظرهای متعددی وجود دارد. «برخی دیدگاه‌ها معتقدند دولت اسلامی موظف به امر ساخت و آبادانی مسجد است. مسجدسازی را یکی از مصادیق مصالح عامه می‌دانند که دولت موظف به این امور است. همان‌طور که دولت موظف به راه‌سازی و بیمارستان‌سازی است باید به مسجدسازی هم بپردازد. قرآن نیز اقامه‌ی نماز را از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی می‌داند.^۳

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴ (کسانی که اگر به آنها در زمین قدرت دهیم به برپایی نماز اقدام می‌کنند).

۱. کاشانی‌زاده، امیرمسلم، ۱۳۹۱، بررسی آسیب‌شناختی وضعیت کنونی مساجد ایران از منظر نخبگان حوزوی و دانشگاهی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم(ع)

۲. همان

۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز درس‌هایی از قرآن، ج ۸ ص ۵۱

۴. حج(۲۲) / ۴۱

در مقابل این دیدگاه برخی دیگر معتقدند مسجد فقط باید مردمی باشد. مردم باید در امر آبادانی مسجد مشارکت فعال داشته باشند و دولت نباید هیچ‌گونه دخالتی در امر آبادانی مسجد داشته باشد. پیروان این دیدگاه به بررسی آثار و پیامدهای این امر نیز پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند دولت به جای کمک مالی به مسجد، باید به اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی بپردازد و وضعیت اقتصادی مردم را بهبود ببخشد. وقتی وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد و فاصله بین غنی و فقیر در جامعه کم شود، مردم به تناسب وسع مالی‌شان و عشق و علاقه‌ای که به دین خود دارند مساجد خود را آباد می‌کنند.

از طرف دیگر دیدگاه تلفیقی و ترکیبی نیز با اختلاف سلیقه مواجه است. این اختلاف سلیقه متوجه میزان دخالت دولت و هم‌چنین دخالت حکومت به جای دولت در اقتصاد مسجد است. یعنی بعضی معتقدند به جای دولت باید حکومت از امور اقتصادی مسجد پشتیبانی کند. پیشنهاد این گروه این است که مقداری از بودجه حاصل از درآمدهای نفتی در اختیار ولی فقیه قرار گیرد، تا به صلاح‌دید وی مجموعه مساجد آبرومند برای نظام اسلامی ساخته شود. این گروه نیز به شدت مخالف دخالت دولت در بودجه‌دهی به مسجد هستند و معتقدند اگر این امر در کوتاه‌مدت جواب دهد به‌طور قطع در بلندمدت با چالش‌های بی‌شماری در این زمینه روبرو خواهد شد.^۱

وضع فعلی مساجد نیز نشان می‌دهد، «در حال حاضر بخشی از منابع مالی مساجد توسط بودجه‌های اختصاصی دولت و کمک‌های مالی شهرداری‌ها تأمین می‌شود. بعضی از مصاحبه‌شوندگان پژوهش مذکور معتقدند: توزیع نامتعادل بودجه‌های اختصاصی به مساجد از آسیب‌های کمک‌های دولتی است. این بودجه‌ها به بعضی مساجد بیشتر و به بعضی کمتر اختصاص می‌گیرد. سهم قابل توجهی از بودجه‌های دولت به مساجد ضعیف شهرها و روستاها اختصاص نمی‌یابد و بیشتر آن به مساجد قوی شهر تعلق می‌گیرد. معیار قوی بودن این مساجد در فعالیت‌های فرهنگی نیست بلکه به لحاظ ساختمان سازی، گنبد، مناره و آئینه کاری آن‌ها است.»^۲

نتیجه سخن: آنچه منطقی‌تر به نظر می‌رسد و زودتر نتیجه می‌دهد، این است که درصدی از پول نفت و منابع طبیعی توسط ولی فقیه به آبادانی فیزیکی مساجد و ایجاد مساجد آبرومند و خودکفا با توجه به نیاز کشور اختصاص یابد. دولت نیز زمینه‌های ساخت مسجد را فراهم کند. یعنی دولت به اموری مانند کمک به محیط‌یابی مساجد و قرار دادن مسجد در بهترین نقطه شهر، تدوین الگوی شهر اسلامی، اختصاص فضای مناسب برای مساجد و همچنین همکاری شهرداری‌ها و وزارت مسکن برای ارزیابی و کمک به مهندسی ساختمان مسجد باشد. دولت به جای اختصاص بودجه به مساجد، بیشتر سعی خود را در رفع مشکلات اقتصادی مردم صرف نماید. از طرف دیگر به‌گونه‌ای فرهنگ‌سازی شود که مردم انگیزه پیدا کنند که اوج علاقه و هنر خود را برای ساخت مساجد طراز اسلامی به کار گیرند، تا جوهره مردمی مسجد از بین نرود و پیوند مردم و مسجد پیوندی برخاسته از حس

۱. کاشانی‌زاده، همان

۲. همان

خداجویی و معنویت‌خواهی مردم باشد. این راهکار فواید و آثار مثبتی هم برای مساجد و هم برای نظام و انقلاب دارد. یکی از آن‌ها تقویت کارکرد سیاسی مسجد است که پیش از این گفته شد. اگر دولت‌ها منابع مالی مساجد را تأمین کنند نمی‌توان انتظار داشت که روحانی مسجد منتقد و نصیحت‌گر دولت‌ها باشد. همچنین خطر سیاست-زدگی نیز از بین می‌رود. از طرف دیگر یکی از بخش‌های تأمین بودجه توسط ولی فقیه، تأمین مالی روحانی و امام جماعت مسجد است. از این رو امام جماعت برای امر به معروف و نهی از منکر به مردم نیز پشتوانه دارد به نظر می‌رسد این نقطه تعادل بین حاکمیت، دولت و مردم است که تنها در مساجد اجرایی است.

مردم نیز به دو صورت در امر آبادانی مسجد مشارکت می‌کنند: ۱. خیرین مسجد ساز ۲. کمک‌های نقدی مردم به مساجد محل یا شهر خود.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. الویری، محسن، ۱۳۸۶، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، نامه صادق شماره ۳۱: ۹۵
۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز درس‌هایی از قرآن، ج ۸ ص ۵۱
۴. کاشانی‌زاده، امیرمسلم، ۱۳۹۱، بررسی آسیب‌شناختی وضعیت کنونی مساجد ایران از منظر نخبگان حوزوی و دانشگاهی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم (ع)

منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد